

دوتا ۲۰۹	عهد جدید ۴
منشاء کتابهای عهد جدید - قسمت ۴ (متن و کانون)	
T = معلم ۱ (تعلیم توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه تعلیمی فرصت خواهید داشت که یاد بگیرید کتاب مقدس را بشناسید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در یک دفترچه یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . عنوان تعلیمی امروز این است : منشاء عهد جدید - بخصوص در مورد بازسازی متن اصلی یونانی عهد جدید و اینکه چرا فقط ۲۷ کتاب عهد جدید در کانون عهد جدید گنجانده شد .

نکته ۱ . بازسازی متن یونانی عهد جدید .

نسبت به تمام اسناد موجود به تمام زبانهای دوران باستان ، منابع بیشتری برای بازسازی متن اصلی یونانی عهد جدید وجود دارد . سه نوع منبع در حال حاضر در دسترسی هستند : مسیحیان دارای نسخه های خطی بسیاری از عهد جدید می باشند بسیاری از ترجمه های اولیه از متن یونانی و بسیاری از نوشته های پدران کلیسا که از عهد جدید نقل کرده اند .

اول . نسخه های خطی یونانی متعدد .

یک . قدیمی ترین قسمت عهد جدید قسمتی از انجیل مرقس ۶ : ۵۲ - ۵۳ است که تاریخ آن به قبل از ۵۰ میلادی باز می گردد و قسمتهایی از انجیل یوحنا ۱۸ : ۳۱ - ۳۴ ، ۳۷ - ۳۸ است که تاریخ آن به ۱۳۰ میلادی باز می گردد . این ثابت می کند که انجیل مرقس احتمالاً اولین انجیل بوده و انجیل یوحنا قبل از ۱۰۰ میلادی نوشته شده است . پاپیروس چستر بیٹی (Chester Beatty) شامل قسمت بزرگی از عهد جدید است و تاریخ آن ۲۰۰ - ۲۵۰ میلادی تعیین شده است . دو . قدیمی ترین جلد های عهد جدید به حروف بزرگ (مجزای بزرگ) بین قرنهای چهارم و هشتم میلادی نوشته شده است . سه جلد آن بخصوص مهم هستند .

گدکس واتیکانی (Codex Vaticanus) که تقریباً شامل کل عهد جدید است و تاریخ آن به ۳۲۵ - ۳۵۰ میلادی باز می گردد . گدکس سینائی (Codex Sinaiticus) که تقریباً شامل کل عهد جدید و نیمی از عهد عتیق است و ۳۵۰ میلادی تاریخ گذاری شده است و گدکس اسکندریه (Codex Alexandrinus) که تقریباً شامل کل کتاب مقدس است و تاریخ آن به ۴۰۰ میلادی باز می گردد . آنها را برای قرائت عمومی در کلیساها نوشتند و بسیار با دقت نسخه برداری شدند . سه . جلد دیگر عهد جدید با حروف سر هم بین قرنهای دهم و پانزدهم میلادی نوشته شده است امروزه ما حدود ۵۰۰۰ دست نوشته یونانی از عهد جدید یونانی در اختیار داریم .

دوم . ترجمه های اولیه از متن یونانی .

چون مبلغین ، انجیل را به بسیاری از کشورها هم به طرف غرب و هم در شرق منتشر ساختند ، عهد جدید یونانی به لاتین یعنی زبان اصلی در قسمت غربی امپراطوری روم و به زبان سریانی ، زبان اصلی قسمت شرقی امپراطوری روم ترجمه شد . چون این ترجمه ها بین ۱۵۰ - ۲۰۰ میلادی صورت گرفت در نتیجه بر اساس دست نوشته های یونانی بودند که از سایر نسخه های موجود قدیمی تر هستند . ترجمه ها کمک می کنند تا به محتوا و معنی دقیق متن واقعی یونانی پی ببریم .

یک . ابتدایی ترین ترجمه های عهد جدید یونانی . ترجمه های یونانی عهد جدید بین قرن دوم و چهارم میلادی به این زبانها ارائه شدند . لاتین ، سریانی ، سه زبان مصری ، گوتی ، ارمنی ، ایتالیایی ، گریگوری ، عربی . امروزه ما ۱۰۰ سند از این نسخه های اولیه عهد جدید در اختیار داریم .

دو . ترجمه های بعدی لاتین از عهد جدید یونانی .

در ۳۸۴ میلادی پدر کلیسا ، " جروم " (Jerome) یک متن استاندارد و لاتین بر اساس قدیمی ترین نسخه یونانی موجود ترجمه کرد که آن را ترجمه ولگیت و یا مشترک نامیدند . این متن توسط آل کویین (Alcuin) در قرن هشتم و یکبار دیگر توسط دانشگاه پاریس در قرن سیزدهم اصلاح شد یعنی قبل از اینکه از طرف کلیسای کاتولیک رومی در ۱۵۴۶ میلادی به عنوان " متن معیار " اعلام شود . در قرن سیزدهم ، استفان لانگتن ، متن را به چندین فصل تقسیم بندی کرد امروزه ما ۸۰۰۰ نسخه خطی از ولگیت لاتین در اختیار داریم .

سوم . نوشته های پدران کلیسا .

پدران کلیسا ، رهبران و معلمان مسیحیت طی شش قرن اول بودند . آنها از زبان یونانی عهد جدید ، آزادانه در موعظه ها و نوشته هایشان استفاده می کردند . همه با هم تمام آیات کل عهد جدید به جز ۱۱ تای آن را نقل قول کرده اند . این نکته جالب است .

چهارم . قابل اعتماد بودن عهد جدید یونانی .

یک . تعداد دست نوشته ها . اغلب کتابهای تاریخ باستان که در غرب از هرودت و توسیدیت در اختیار داریم مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد هستند . در حالیکه فقط ۸ نسخه خطی از اینها را در اختیار داریم ، ۵۰۰۰ نسخه خطی از عهد جدید یونانی ، ۱۰۰۰ نسخه خطی از ترجمه های اولیه عهد جدید و ۸۰۰۰ نسخه خطی از عهد جدید لاتین داریم . پس متن عهد جدید از هر سند باستانی دیگر موجود در جهان بهتر محافظت شده است .

دو . زمان بین رونوشتها و نسخه اصلی آنها . مدعی ترین کتابهای تاریخ در غرب یعنی هرودت و توسیدیت مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد هستند اما قدیمی ترین رونوشتهایی که از آنها در اختیار داریم مربوط به ۹۰۰ میلادی می باشد . در حالیکه فاصله بین زمان نگارش این کتابها و تاریخ قدیمی ترین سند مربوط به رونوشتهای آنها ۱۳۰۰ سال است ، فاصله بین نسخه های اصلی عهد جدید و قدیمی ترین سند رونوشتهای آنها فقط ۲۵۰ سال است . در حالیکه تاریخ باستان در اعتبار متن هرودت و توسیدیت شك نمی کنند ، اعتبار متن عهد جدید از آنها بسیار بیشتر است .

سه . صحت رونویسی یا رونوشت از متن . نام بزرگترین حماسه غربی ایلیاد است که ۶۴۳ رونوشت از آن را در اختیار داریم . بعد از عهد جدید نسبت به سایر کتب دوران باستان از ایلیاد رونوشتهای بیشتری موجود است . هر دو از کتب مذهبی به حساب آورده می شوند و هر دو به علت رونوشت دستی متحمل تغییراتی در متن خود شده اند ولی در حالیکه ۷۶۴ خط از ۱۵۶۰۰ خط ایلیاد زیر سؤال است ، فقط ۴۰ خط از ۲۰۰۰۰ خط عهد جدید مورد سؤال قرار می گیرند یعنی ۲۵۰ بار کمتر . اما هیچکدام از این ۴۰ خط یا ۴۰۰ کلمه که در عهد جدید یونانی مورد سؤال قرار میگیرند نه آموزه و نه حیات مسیحیت را تحت تاثیر خود قرار داده اند چون این قسمتها توسط سایر قسمتهای عهد جدید که هیچ شکی در مورد آنها وجود ندارد حمایت می شوند . پس ما باید از نظر شواهد ادبی نتیجه بگیریم که اعتبار متن عهد جدید یونانی قویتر است از هر سند باستانی دیگر موجود در جهان . محققین موافقت که ما اساسا متنی واقعی از عهد جدید یونانی در دسترس داریم .

نکته ۲ . کانون یا فهرست کتابهای عهد جدید .

اول . کتابهایی که واقعا متعلق به عهد جدید هستند .

کتابهایی که واقعا متعلق به عهد جدید به حساب می آیند کانونی (Canonical) نامیده می شوند . کلمه ” کانون ” به معنی ” نی صاف ” یا ” خط کش ” است که به عنوان چوب اندازه گیری استفاده می شد . در کاربرد ادبی ، واژه کانون به معنی فهرستی از کتابهایی است که منطبقند با معیار الهام و اقتدار الهی . کتابهای عهد جدید بسیار بوضوح می گویند که توسط خدا الهام شده اند . عیسی این را در یوحنا ۱۴ : ۲۶ و ۱۵ : ۲۶ - ۲۷ می گوید و پولس و پطرس آن را در دوم تیموتائوس ۳ : ۱۶ و دوم پطرس ۱ : ۲۰ - ۲۱ گفته اند . در دوم تیموتائوس ۳ : ۱۶ نوشته شده ، ” تمام قسمتهای کتاب مقدس را خدا الهام فرموده است یا دمیده است . پس هر چیزی که از طریق الهام خدا داده شود کلام است و هر چه از جانب الهام خدا نیاید کلام نیست . کلام ، ثبت مکتوب سخنان الهامی و مقتدر خدا است . کلیسای رسولی یعنی کلیسای مسیحی اولیه ، ۲۷ کتاب عهد جدید را به عنوان ” کانونی ” به شمار می آورد یعنی کتابهایی که الهام الهی هستند و باید برای آنچه به آن ایمان داشته باشیم و انطور که باید زندگی کنیم مرجع ما باشد . کتابهایی که متعلق به عهد جدید به شمار نمی آیند ” آپوکریفا ” نامیده می شوند . کلمه ” آپوکریفا ” (apocryphal) به معنی مخفی است و تلویحا بیانگر این است که منشاء پیغام و الهام آنها جعلی است یا اعتبار آنها مورد شك و تردید است .

دوم . الهام یا سه حقیقت ثابت می شود .

یک . الهامی بودن با محتوای يك کتاب ثابت می شود . تمام کتابهای عهد جدید دارای موضوعی مرکزی یعنی شخصیت و کار عیسی مسیح هستند . چهار انجیل زندگی ، اعمال و سخنان او را ثبت می کنند . کتاب اعمال رسولان ، تاثیرات عیسی مسیح را در تاریخ جهان ثبت می کند . نامه ها ، ثبت تعالیم الهیاتی و عملی هستند بر اساس وابستگی کامل به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده و خداوند . کتاب مکاشفه رابطه عیسی مسیح را با جهان و آینده این جهان ثبت می کند . در حالیکه انجیل و اعمال رسولان آپوکریفایی ، بیشتر به معجزه متمرکزند تا تعلیم . و نامه های آپوکریفایی هم قسمتهایی هستند که از نامه های کانونی گرفته شده اند ، با بررسی دقت نقل کننده داستان ، عمق تعلیم و تمرکز آن بر شخصیت عیسی مسیح ، تفاوت قابل تمایزی بین کتابهای کانونی و آپوکریفایی وجود دارد .

دو . الهامی بودن با تاثیر يك کتاب اثبات می شود . تمام آثار ادبی ، افکار انسانی را ثبت می کنند اما بعضی از آثار ادبی می توانند عمیقا بر افکار انسانی تاثیر داشته باشند . کتابهای عهد جدید می توانند افکار انسانی ، ارزشها ، رفتار و محبت زندگی انسان را کاملا تغییر دهند . تاثیر اخلاقی و روحانی کتابهای عهد جدید آنقدر زیاد است که هر چقدر پیغام آن اعلام و پذیرفته می شود ، کلیسا گسترش می یابد و با خود پاکی اخلاقی و روحانی اجتماعی را به همراه می آورد . شکافی غیر قابل عبور بین معیارهای اخلاقی و روحانی جوامع غیر مسیحی و کتابهای عهد جدید وجود دارد .

سه . الهامی بودن از طریق هماهنگی بین شهادت درونی کتاب با شهادت خارجی کسانی که از آن استفاده می کنند ثابت می شود . امتحان پیغام الهی و قدرت الهی این کتابها فقط توسط يك شخص و در دوره ای محدود قابل ارزیابی نیست . شهادتهای مربوط به الهامی بودن کتابهای مقدس باید توسط افراد مختلف که در مناطق مختلف و در طول دورانهای مختلف زیسته اند ارائه شوند . زمانیکه شهادت درونی این کتابها در مورد خودشان و شهادت خارجی افراد مختلفی که در طی دورانهای مختلف زندگی کرده اند هماهنگ باشند نشان می دهد که آنها کار خدا می باشند ، پس معیار کانونی بودن آنها بیشتر قابل اعتماد می شود .

سوم . شهادت درونی عهد جدید بر اینکه توسط خدا الهام شده است . از آغاز ، پیغام مسیح از شخصی به شخص دیگر به عنوان کلام خدا منتقل شد . غلاطیان (۱ : ۱۱ - ۱۲) می گوید که انجیل ، ” زاینده فکر و خیال انسانی نیست . ” اما ” خود عیسی مسیح آن را ... آشکار و مکشوف ساخت . ” اول قرن نهم : ۱ - ۳ می گوید که انجیل را پولس رسول پذیرفت آن را موعظه و به دیگران منتقل ساخت . اول تسالونیکیان ۲ : ۱۳ می گوید که این پیغام را شنوندگان آن به عنوان ” کلام خدا ” پذیرفتند و بر طبق اول تسالونیکیان ۱ : ۵ - ۱۰ و دوم تیموتائوس ۳ : ۱۶ - ۱۷ می گوید که بر آنانی که به آن ایمان می آورند اثری جاودانی به جا می گذارد .

رسولان نوشته های خود را کلام الهامی و مقتدر خدا می دانستند و در مقابل ناطاعتی از آن به مردم هشدار می دادند . برای مثال ، در اول تسالونیکیان ۴ : ۲ پولس رسول می گوید ، ” احکامی را که از جانب عیسی خداوند به شما داده ایم می دانید . ” در دوم تسالونیکیان ۳ : ۱۴ او می گوید ، ” اگر کسی هست که نمی خواهد از دستورات ما در این نامه اطاعت کند مراقب او باشید و با او معاشرت نکنید تا از عمل خویش شرمند شود . ” در اول قرن نهم : ۱۴ - ۳۷ - ۳۸ می گوید ، ” اگر ادعا می کنید که عطای نبوت و یا سایر عطایای روح القدس را دارید پس باید اولین کسانی باشید که دریابید آنچه می گویم احکام خود خداوند است اما اگر کسی باز مخالف است بگذار در نادانی خود باقی بماند . ” مجموعه نامه های پولس علناً ، کانونی اعلام شد چون دوم پطرس ۳ : ۱۵ - ۱۶ از آن به عنوان متنی ادبی اشاره شده که باید همچون سایر رسالات پذیرفته شوند . این حقیقت که حتی پطرس رسول در مورد محتوای آنها گفتگو می کند و اینکه بعضی افراد نادان و بی ثبات آن ها را منحرف می سازند ثابت می کند که آنها دارای اقتدار هستند . اگر اقتدار نداشتند هیچکس به آنها توجهی نمی کرد .

چهارم . شهادت خارجی پدران اولیه کلیسا ، کانون رسمی و شوراهای کلیسایی .

يك . شهادت خارجی پدران کلیسا . نخستین پدران کلیسا بین ۹۵ و ۱۵۰ میلادی همه از کتابهای عهد جدید نقل قول کرده اند . آنها خودشان شاگرد رسولان بودند و یا شاگرد شاگردان آنها . ژوستین شهید از ۱۰۰ تا ۱۶۵ میلادی می زیست و به هر چهار انجیل ، اعمال رسولان ، هشت نامه پولس و اول پطرس و مکاشفه به نام اشاره کرده است . او تاکید کرده که انجیل هر یکشنبه همراه با عهد عتیق در جلسه کلیسایی قرائت می شوند . ” ایرنئوس ” حدوداً ۱۷۰ میلادی می زیست و شاگرد ” پلیکارپ ” بود که او هم شاگرد یوحنا رسول بود . او به تمام کتابهای عهد جدید به جز فلیمون و سوم یوحنا اشاره می کند .

دو . شهادت خارجی کانون رسمی . کانون ” مورائونیان ” فهرستی غیر رسمی است از کتابهای عهد جدید به جز نامه های عمومی عبرانیان و یعقوب ، اول و دوم پطرس . نامه یادبود ” آتاناسیوس ” در ۳۶۷ میلادی شدیداً از يك طرف بین ” کلام الهی خدا ... که توسط شاهدان عینی و خادمین ابتدایی کلام به پدران ما سپرده شد ” و از طرف دیگر با ” نوشته های مرموز بدعت گزاران ” تمایز قائل می شود . او تاکید می کند که ۲۷ کتاب عهد جدید ما ، کلام الهامی خدا هستند و می گوید که ” اینها چشمه های نجات هستند . ” اجازه ندهید که کسی به آنها چیزی اضافه یا کم کند .

سه . شهادت خارجی شوراهای کلیسا . این شوراهای کلیسا ، جلساتی از نمایندگان تمام کلیساهای مسیحی بودند . در ” شورای لادیکیه ” در ۳۶۳ میلادی برای اولین بود موضوع کتابهای کانونی برای اولین بار مورد بحث قرار گرفت . در این شورا تصمیم گرفته شد که فقط کتابهای کانونی عهد جدید باید در خدمات کلیسا خوانده شوند . ” شورای کارتاژ ” در ۳۹۷ میلادی همین تصمیم را گرفت و فهرست واضحی در ۲۷ کتاب عهد جدید ما به عنوان کانونی اضافه گردید . ” شورای هیپو ” در ۴۱۹ میلادی همین تصمیم و همین فهرست کانونی را تائید کرد .

پنجم . کتابهایی که متعلق به عهد جدید نیستند .

در سرتاسر قرنهای گذشته کسانی بوده اند که مثلاً انجیل ، اعمال و نامه ها را نوشته اند و مدعی شده اند که آنها نسخه های اصلی بوده اند . اما آنها بوضوح آپوکریفایی هستند یعنی اعتبار آنها مورد شك و تردید است . همانند کتابهای آپوکریفایی عهد عتیق این کتابهای آپوکریفایی عهد جدید هرگز به عنوان قسمتی از کانون یا فهرست کتابهایی که از نظر آموزه و برای زندگی مسیحی ، الهامی و معتبرند پذیرفته نشده اند .

ششم . تنها امتحان حقیقی برای دانستن اینکه يك كتاب متعلق به عهد جدید است یا نه .

در دوم پطرس ۱ : ۲۰ - ۲۱ می خوانیم ، ” این را بدانید که هیچیک از پیشگویی های كتاب آسمانی از فکر خود انبیاء تراوش نکرده بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می کرد تا بازگو نمایند.“ در دوم تیموتائوس ۳ : ۱۶ می خوانیم ، ” در واقع تمام قسمتهای كتاب مقدس را خدا الهام فرموده است . از این جهت برای ما بسیار مفید است . زیرا کارهای راست را به ما می آموزد ، اعمال نادرست را مورد سرزنش قرار میدهد و اصلاح میکند و ما را بسوی زندگی خداپسندانه هدایت می نماید .“ كتاب مقدس بطور آشکار میگوید که خدای روح القدس کتابهای كتاب مقدس را الهام کرده است . بنابراین واضح است که فقط الهام روح القدس است که یک كتاب را قسمتی از کانون یا فهرست کتابهایی میسازد که الهام الهی میباشد و برای تعلیم و زندگی دارای اقتدار هستند .

یک شخص یا یک شورای انسانی هرگز نمیتواند تصمیم بگیرد که آیا بخشی از كتاب ، الهام الهی بوده و برای تعلیم و زندگی دارای اقتدار است یا خیر . تنها چیزی که یک شورای انسانی میتواند انجام دهد تشخیص کیفیت الهام شده توسط عملکرد خدا در کتابها میباشد . زمانیکه فرزندی والدین خود را در بین تعداد زیادی بزرگسالان تشخیص میدهد ، او هیچگونه کیفیت خانوادگی جدیدی را توسط این کار اضافه نمی کند بلکه او بسادگی رابطه ای را تشخیص میدهد که از پیش وجود داشته است .

همین موضوع در مورد کانون یا فهرست کتابهای معتبر كتاب مقدس که شوراهای مسیحی اولیه تنظیم کرده اند صدق می کند . شوراهای مسیحی الهام الهی یا اعتبار را حتی به يك صفحه از كتاب مقدس اضافه نکرده اند . آنها فقط الهام الهی و اعتبار این اسناد مذهبی را مشخص کرده و پذیرفته اند الهام و اعتباری که به صورتی لاینفک از زمان نگارش در این کتابها موجود بوده است . به همین ترتیب شوراهای اولیه مسیحی ادعای کاذب سایر کتابها را مبنی بر الهام الهی و اعتبار آنها رد کرده است .

تکلیف برای هفته آینده

اول . در طی هفته آینده ، متی فصلهای ۲۲ - ۲۸ را بخوانید .

دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .

سوم . هر شب تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید.